



فصل پنجم: تصویب نامه انجمن های ایالتی و ولایتی و حمله به قلب فرهنگ ایران

بسیاری از کسانی که استراتژی امام خمینی در برخورد با لایحه اصلاحات ارضی در ۱۹ دی ۱۳۴۰ را دیدند مبهوت چشم انداز تغییرات ناگهانی و چشم گیر این استراتژی در جریان تصویب نامه انجمن های ایالتی و ولایتی در ۱۴ مهر ۱۳۴۱ شدند. شاید هنوز برای خیلی ها آشکار نباشد که نزدیک به هشت ماه فاصله بین تصویب این دو لایحه، چه اتفاقاتی در کشور افتاد که به قول سران رژیم پهلوی، امام خمینی را از یک روحانی به ظاهر آرام و نه چندان مشهور در جامعه ایرانی و جهان، به رهبری بی بدیل، فراگیر و سازش ناپذیر در سرلوحه تحولات اجتماعی ایران و رسانه های جهانی قرار داد؟!

شاه تصور می کرد با فوت آیت الله بروجردی سایه سنگین تمرکز مرجعیت و رهبری در حوزه های علمیه ایران که نمادی از قدرت انتقادی و مقاومت در مقابل سیاست های استبدادی و استعماری حاکمیت مطلق نظام سلطنت بود، برای همیشه از صحنه سیاست خارج خواهد شد. این مسئله در سیاست ها و رفتارهای حکومت آنچنان مشهود بود که امام در تاریخ ۴۱/۸/۱۴ در جلسه درس حوزه می فرماید:

دولت تصور نکند که با فوت مرحوم آیت الله بروجردی می شود به دین

ارکان رژیم پهلوی خیلی تمایل داشتند در نمایش اصلاحات ارضی ضربات سنگینی بر حیثیت روحانیت وارد سازند و آنان را هوادار طبقه زمین دار و مخالف با تقسیم اراضی بین کشاورزانی که سالها زیر سیطره خانها و اربابان زندگی بخور و نمیری داشتند، معرفی نمایند

لطمه‌ای زد. هزارها آیت‌الله بروجردی متکی به دین اسلام بوده‌اند و دین به آیت‌الله‌ها تکیه ندارد.^۱

جالب این جاست که گویی امام می‌دانست بعضی از اعضای حاضر در جلسه مأمور ساواک هستند لذا در ادامه می‌فرماید:

کسانی که پای منبر هستند این مطالب را به دولت برسانند و شما مردم هم فعلاً آرامش را حفظ کنید و پی کار خود بروید انشاءالله خواسته‌های شما عملی خواهد شد...



تشییع جنازه آیت‌الله بروجردی

۱. امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۹۱.

پیش‌زمینه‌های مخالفت آیت‌الله بروجردی و بعضی از علمای حوزه با لایحه اصلاحات ارضی که در سال ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ به مجلس برده شد، وجود داشت و شاه بی‌میل نبود که در غیاب آیت‌الله بروجردی و نبودن تمرکز مرجعیت در حوزه‌های علمیه ایران، روحانیت مجدداً با این لایحه مخالفت کند تا وی به زعم خود آخرین ضربات را بر پیکر روحانیت که در طول رژیم دست‌نشانده و بی‌هویت پهلوی، ضربات جانانه‌ای از آنها نوش جان کرده بود، وارد سازد

پیش‌بینی‌های امام چندان به درازا نمی‌کشد زیرا رژیم پهلوی در کمتر از دو سال از فوت آیت‌الله بروجردی، ناگهان خود را در مقابل قدرت متمرکز، یکپارچه و مقتدر مرجعیتی به مراتب تواناتر، با برنامه‌تر و آگاه‌تر نسبت به دیگر گونی‌های منطقه‌ای و جهانی از مرجعیت گذشته در حوزه‌های علمیه، دید. قدرتی که در کمتر از سه سال نه تنها توانست ملت ایران را یکپارچه سازد بلکه حوزه‌های متکثر علمیه در ایران و نجف را نیز با خود هم‌صدا نماید. ساواک این هم‌صدایی را در بعضی از گزارش‌های خود به خوبی ترسیم می‌کند:

اقدامات مخالفت‌آمیز چند ماه اخیر آیت‌الله خمینی و پیش‌قدمی مشارالیه در مخالفت با عملیات اصلاحی اعلیحضرت همایونی و دولت موجب تمرکز قدرت‌های روحانی در اطراف وی گردیده و به خاطر همین مرکزیت هم‌اکنون حوزه‌های علمی مذهبی خارج از ایران نیز نامبرده را مشخص‌ترین رکن جامعه روحانیت ایران می‌شناسند و تلگراف تسلی‌آمیز واقعه اخیر از جانب آیت‌الله حکیم خطاب به وی نتیجه همین شاخصیت اوست...^۱

۱. قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۴۸.

گزارش اختلالات داخلی

تاریخ: ۳۳۳۳/۴۴۴۴
 شماره: ۵۵۵۵/۶۶۶۶
 نام بیمار: _____
 تاریخ تولد: _____
 تاریخ گزارش: _____

این بیمار مبتلا به اختلال مزمن در سیستم گوارش است. در تاریخ فوق الذکر، بیمار به دلیل اختلال در عملکرد دستگاه گوارش، به ویژه در زمینه سوء هاضمه و کاهش اشتها، به این مرکز مراجعه نمود. در تاریخ فوق الذکر، بیمار به دلیل اختلال در عملکرد دستگاه گوارش، به ویژه در زمینه سوء هاضمه و کاهش اشتها، به این مرکز مراجعه نمود.

تشخیص: اختلال مزمن در عملکرد دستگاه گوارش
 توصیه: مصرف منظم دارو، پرهیز از غذاهای چرب و سرخ‌پز، استراحت کافی، مراجعه منظم به پزشک معالج.

تاریخ: ۳۳۳۳/۴۴۴۴
 نام پزشک: _____
 نام بیمار: _____





چگونه امام خمینی توانست آن شور و هیجان فراگیر را که برای تحقق تغییرات گسترده و سریع و ظهور یک جنبش اجتماعی فراگیر لازم بود، از دل داستان تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی خارج کند و آن را موتور محرک نهضت ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ و تغییر و دگرگونی ایران سازد؟! در حالی که جریان اصلاحات ارضی با توجه به مبانی تئوریک بعضی از جریان‌های سیاسی به خصوص جریانات چپ و توهماتی که تحلیل‌گران امریکایی رژیم پهلوی، پیوسته در نوشته‌های خود پیرامون رابطه ساختاری روحانیت با زمین‌داران بزرگ منتشر می‌کردند، به ظاهر استعداد بیشتری برای مقابله روحانیت با سیاست‌های تقسیم اراضی شاه داشت. ولی چرا حوزه‌های علمیه بر خلاف تصورات حکومت، در لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی به خروش آمدند؟

شاه، گروه‌ها و جریان‌های مخالف با مذهب و روحانیت، تصور می‌کردند حوزه علمیه قم یقیناً با اصلاحات ارضی مخالفت خواهد کرد. این مسئله در میان کارگزاران رژیم آن قدر بدیهی بود که حتی با همین تصور علی‌امینی نخست‌وزیر تحمیلی امریکا به رژیم پهلوی، با دست زدن به یک سلسله برنامه‌های فریبنده و به ظاهر مذهبی، کوشید که در میان مقامات روحانی جای پای به دست آورد و موافقت علمای اسلام را در مورد طرح‌هایی که از جانب امریکا در دست اجرا داشت، به گونه‌ای جلب کند و به «اصلاحات» مورد نظر امریکا مشروعیت بخشد. هنوز بیش از دو ماه از نخست‌وزیری او نگذشته بود که به مناسبت فرا رسیدن ماه محرم^۱ طی بخشنامه‌ای همه کاباره‌ها، مشروبات فروشی‌ها، عسرت‌کده‌ها و... را در طول ماه‌های محرم و صفر تعطیل اعلام کرد و وعده داد که با فساد و فحشا و بی‌بند و باری مبارزه گسترده‌ای را آغاز خواهد کرد. امینی روز جمعه اول دی‌ماه ۱۳۴۰ رهسپار قم شد و با علما و روحانیان طراز اول از جمله امام خمینی و آقایان گلپایگانی، نجفی مرعشی و شریعتمداری دیدار کرد.^۲ او چون تصور می‌کرد که علمای قم از تصویب و اجرای قانون اصلاحات ارضی اظهار نارضایتی می‌کنند و جلوگیری از اجرای آن را خواستار می‌شوند، از این رو، خود را برای دفاع از طرح یادشده و جلب نظر آنان برای اجرای آن آماده کرده بود؛ لیکن برخلاف تصور او، امام در سخنان خود اصولاً به مسئله اصلاحات ارضی هیچ اشاره‌ای نکرد. دیگر علما نیز تا آنجا که گزارشات نشان می‌دهد وارد این بحث نشدند. حجت‌الاسلام والمسلمین سید حمید روحانی در جلد اول

۱. آغاز محرم سال ۱۳۸۰ مصادف با ۲۵ خرداد ۱۳۴۰ بود.

۲. در برخی از کتاب‌ها تاریخ دیدار را در چهلیم رحلت آقای بروجردی در اردیبهشت ۴۰ نوشته‌اند که اشتباه است. روزنامه/اطلاعات در تاریخ چهارم دی‌ماه ۱۳۴۰ مشروح گزارش دیدار امینی با علمای قم را همراه با عکس به چاپ رسانیده است.



نهضت/امام خمینی گزارش کامل این دیدار را منتشر می کنند.^۱ امام در این دیدار ابتدا یک سلسله سخنان پندآمیز و عارفانه‌ای مطرح و امینی را نصیحت کرد که باید با مردم درست رفتار کند و گام‌های مفید و مؤثری به نفع اجتماع بردارد. سپس امام به امینی گوشزد کرد که مملکت ایران، نخست وزیران فراوان به خود دیده است؛ امیر کبیرها، قائم مقام‌ها و نخست وزیران دیگر... آنان که به این ملک و ملت خدمت کرده‌اند و مسئولیت اجتماعی خود را صحیح‌تر انجام داده‌اند، به یاد ملت آگاه و هوشیار ایران مانده‌اند. مثلاً همیشه از امیر کبیر، قهرمان مبارزه با استعمار به ذکر خیر یاد می شود. ولی در مقابل، نخست وزیرانی هم بوده‌اند که همیشه مورد لعن و نفرت بوده و هستند. سپس به امینی می گوید: شما سعی کنید از گروه دوم نباشید. شما در امور دین با مردم آنچنان رفتار کنید تا ذکر خیری از شما و خاطره خوبی از دوران نخست وزیری شما در میان مردم یادگار بماند.

در اینجا دکتر امینی برای اینکه در برابر امام و دیگر افراد حاضر در جلسه خودنمایی کند و به اصطلاح نیشی زده باشد، میان سخنان امام دوید و گفت: «... روزی که تمدن غرب وارد کشور ما شد در تمام مملکت جز روحانیون، افراد باسواد، کمتر وجود داشتند. این همان گروه نخبه روحانیون بودند که می توانستند فرهنگ و مراکز آموزشی را قبضه کنند و از نفوذ زباله‌های تمدن غربی جلوگیری به عمل آورند، ولی کوتاهی ورزیدند...» امام در مقابل این سخنان پاسخ جالبی به علی امینی می دهد و به پایه گذار حکومت پهلوی یعنی رضاخان که امینی نخست وزیر این حکومت بود، می تازد و می گوید:

درست است که پنجاه سال پیش، اکثریت باسوادان کشور را روحانیت تشکیل می داد، ولی خودتان بهتر می دانید که حکومت کشور در دست افرادی بود که دست نشانده و مزدور بیگانگان بودند و ما حکومت مستقل ملی نداشتیم. همین رضاشاه، دست نشانده اجنبی بود. روحانیت چگونه می توانست با حکومت‌های دست نشانده بیگانگان همکاری و همراهی کند؟ وقتی رضاخان، خودش نماینده انگلیس‌ها و دست نشانده خار جیان بود، آیا روحانیت با همکاری با این قبیل عوامل دست نشانده [باید] صحنه بر اعمال آنان می گذاشت و حکومت آنان را تأیید یا تقویت می کرد؟ آن روز در مبارزه با این گونه دیکتاتورهای محلی و دخالت اجنبیان، چاره‌ای جز انفصال از خدمات دولتی و گوشه نشینی و چاره‌ای

۱. سید حمید روحانی، نهضت/امام خمینی، تهران، عروج، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۳۹-۱۳۶.



جز تقویت پایگاه‌های ملی و مردمی نداشت. روحانیت می‌بایست پایه‌های نهضت‌های ملی را تقویت می‌کرد تا روزی بتواند با حکومت‌های غیر ملی و ضد ملی مبارزه و مقابله کند...^۱ (نزدیک به این مضامین).

پاسخ قاطع و کوبنده امام به امینی و نفی بی‌پروای رضاخان و دولت‌مردان وابسته به استبداد پهلوی و مزدور بیگانه خواندن آنها، و از همه مهم‌تر بی‌اعتنایی امام به جایگاه رسمی امینی در این دیدار، کافی بود تا امینی متوجه شود که حوزه علمیه قم وارد فرآیند جدیدی از دوران مبارزات خود با استبداد پهلوی شده است و آن که امروز سکان رهبری این مبارزات را به دست گرفته است تفاوت‌های بنیادی با اسلاف خود در برخورد با سیاست دارد.

در این دیدار امینی هر چه به انتظار نشست که کلمه‌ای یا اشاره‌ای از امام خمینی در مخالفت با طرح اصلاحات ارضی به میان بیاید به جایی نرسید. گویی امام از پیش فهمیده بود که امینی برای چه منظوری به دیدار او رفته است و چه اهدافی را دنبال می‌کند. امینی در مصاحبه با بی‌بی‌سی، شگفتی خویش را از اینکه امام در ملاقات با او به مسئله اصلاحات ارضی نپرداخته است چنین بازگو می‌کند:

... در موقعی که نخست‌وزیر بودم، وقتی رفتم به قم، او مدرس بود نشسته بود... من برای اصلاحات ارضی به قم رفته بودم، برای اینکه رفته بودند آخوندها را دیده بودند کلک جور کنند ولی او [در این باره] یک کلمه صحبت نکرد. ابداً، هیچ صحبت نکرد. چیزی که به من می‌گفت، فکر می‌کردم که آدم روشنفکری است...^۲

ارکان رژیم پهلوی خیلی تمایل داشتند در نمایش اصلاحات ارضی ضربات سنگینی بر حیثیت روحانیت وارد سازند و آنان را هوادار طبقه زمین‌دار و مخالف با تقسیم اراضی بین کشاورزانی که سال‌ها زیر سیطره خان‌ها و اربابان زندگی بخور و نمیری داشتند، معرفی نمایند. مضاف بر این که پیش‌زمینه‌های مخالفت آیت‌الله بروجردی و بعضی از علمای حوزه با لایحه اصلاحات ارضی که در سال ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ به مجلس برده شد، وجود داشت و شاه بی‌میل نبود که در غیاب آیت‌الله بروجردی و نبودن تمرکز مرجعیت در حوزه‌های علمیه ایران، روحانیت مجدداً با این لایحه مخالفت کند تا وی به زعم خود آخرین ضربات را بر پیکر روحانیت که در طول رژیم دست‌نشانده و بی‌هویت پهلوی،

۱. عقیقی بخشایشی، یکصد سال مبارزه روحانیت مترقی، ج ۲، ص ۷۷.

۲. عبدالرضا هوشنگ مهدوی (به کوشش)، انقلاب/ایران به روایت رادیو بی‌بی‌سی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۱.

ضربات جانانه‌ای از آنها نوش جان کرده بود، وارد سازد و انتقام تمام بی‌اعتباری‌هایی که رضاخان و محمدرضا در مقاومت‌های جانانه مدرس، حاج آقا نورالله اصفهانی، شیخ محمدتقی بافقی، آیت‌الله کاشانی و نهضت ملی شدن نفت و... بر این رژیم وارد شد را از حوزه علمیه قم بگیرد.

تاریخ نشان می‌دهد که امام پس لرزه‌های اصلاحات ارضی را به درستی محاسبه کرده بود و می‌دانست که نمایی بودن و فریب اصلاحات شاهانه بدون هزینه شدن حوزه‌های علمیه و اسلام و علمای اسلام به زودی دامن خود رژیم را خواهد گرفت. اصلاحات ارضی با هیجان‌های کاذب و میتینگ‌های فرمایشی شاه، نخست‌وزیر و وزیر کشاورزی، هیچ جریبان مخالفی را به صحنه نیاورد. تا به امروز سندی دال بر مخالفت ملاکین بزرگ و یا اساطین روحانیت با اصلاحات ارضی منتشر نشده است. ملاکین بزرگ عموماً از اصلاحات ارضی سودهای کلانی به جیب زدند و آنچه تاکنون در این رابطه پژوهشگران چپ و راست و سلطنت‌طلب در مورد اتحاد ملاکین و روحانیت در مخالفت با اصلاحات ارضی نوشته‌اند افسانه‌ای بیش نیست و حکایت از بافته‌های ذهنی و گمانه‌زنی‌های غیر علمی و غیر تاریخی نویسندگان این مطالب دارد.

از آنجایی که امام خمینی می‌دانست نمایش اصلاحات ارضی برای فریب دهقانان و قرار دادن آنها در مقابل مخالفان رژیم پهلوی به خصوص روحانیت است، انرژی انقلابی



توزیع اسناد مالکیت املاک ورامین توسط محمدرضا پهلوی (۱۳۴۰/۲/۲۴)



مردم را در این جریان هزینه نکرد. شیوه تقسیم اراضی، شیوه بازپرداخت اقساط دهقانان به مالکان زمین‌ها، شیوه فروش زمین به دهقانان و از همه مهم‌تر میزان زمینی که به هر دهقانی واگذار شد نشان می‌داد که اصلاحات ارضی بیش از هر چیز نه تنها کشاورزان و کشاورزی ایران را به خاک سیاه خواهد نشانید بلکه پایه‌های پوسیده خود رژیم پهلوی را نیز متزلزل‌تر خواهد ساخت.

منوچهر فرمانفرماییان یکی از کارگزاران رژیم پهلوی در کتاب *خون و نفت* می‌نویسد:

ما برای مدتی شاهد تقسیم زمینمان در میان دهقانان بودیم و باروش پرداخت غرامتی که تعیین شده بود، نتیجه کار برای ما نسبتاً خوب بود... ما بیش از ارزش واقعی زمینمان پول دریافت کردیم... هزینه این کار برای دولت بسیار زیاد بود (۹۵۰ میلیون دلار برای ۲۵ هزار روستا) که دولت امیدوار بود سرانجام با دریافت مالیات از دهقانان، آن را جبران کند. اما چنین اتفاقی نیفتاد. روستاییان که پانزده تا بیست جریب زمین دریافت کرده بودند، که حتی بزرگترین قطعات آن برای تأمین زندگی آنها بسیار کوچک بود؛ بی‌درنگ با مشکلات روبه‌رو شدند. نگهداری ذخایر آب، ابزار کشت، گاوهای نر، جاده‌ها و حتی خانه‌ها، که مالکین بر آنها مباشرت داشتند، حالا از حوزه مسئولیت جمعی و مشترک بود. اما تعاون روستایی، که چنین می‌نامیدند، فاقد انسجام درونی، تجربه و سازمان برای مدیریت چنین مواردی بود و به سرعت مضمحل شد. توازن قدیمی پنج عنصر اصلی زمین، آب، بذر، ابزار و حیوانات بارکش... همه در ظرف چند ماه از بین رفت. قنات‌ها را لای و لجن گرفت و بند آمد، کشتزارها کشت نشده رها و به زمین بایر تبدیل شد و ابزار کشت زنگ زد و از بین رفت. بسیاری از کشاورزان که به مسئولیت و مشقت اداره زمینشان عادت نداشتند، ملک تازه را به آنهایی که ثروتمند بودند، فروختند و روستا را ترک کردند. حالا ثروتمندترها زمینداران جدید بودند. با کاهش جمعیت روستاها، نیروی کار کافی برای کشت زمین‌ها باقی نماند. بسیاری از زمین‌ها به بیابان تبدیل شد. درآمدها رو به کاهش رفت و مالیات‌ها پرداخت نشد. کسانی که زمین‌هایشان را فروختند، راهی شهرها شدند تا در تابستان خریزه و در زمستان تخمه بفروشند... ما هم خوشحال بودیم وقتی زمین‌هایمان در کرمانشاه، همدان و



آذربایجان ملی شد، دیگر دلیلی نداشت که به آنجا برویم. رفتن به آنجا به معنای رسیدگی به همه مشکلات دهقانان بود... صدای امریکا دائماً درباره مزایای اصلاحات ارضی سخن می گفت... شاه تصور می کرد با واگذاری زمین به دهقانان از حمایت عمومی برخوردار خواهد شد... اما وضع کشاورزان از گذشته هم بدتر شد... بدین ترتیب ایران که همیشه از نظر کشاورزی خود کفا بود، به طور فزاینده ای شروع به وارد کردن مقادیر زیادی مواد غذایی از خارج کرد...^۱

شاپور بختیار آخرین نخست وزیر شاه در کتاب بیکرنگی می نویسد:

در آخرین سال سلطنت شاه، ایران برای وارد کردن مواد غذایی ۸ میلیارد دلار پول مصرف می کرد، در حالی که زمان مصدق، گندم و جو و پنبه و برنج به کشورهای مختلف منطقه خلیج فارس از جمله پاکستان و عراق صادر می کرد...^۲

این نمونه بسیار کوچکی از آنچه بود که شاه در اصلاحات ارضی و انقلاب سفید بر سر ایران و ملت ایران آورد. بعضی ها معتقدند که سیاست محمدرضا شاه این نبود که تغییر ریشه ای در روابط سنتی روستایی پدید آورد بلکه به او القا کرده بودند که هر برنامه تقسیم زمینی به ناچار تصویری را از تغییری نسبتاً بنیادین در ذهن می آفریند. احتمالاً یکی از اهداف اصلاحات ارضی آرایه چنین تصویری در ذهن مردم بود. البته این توهمی بود که امریکایی ها و «گروه ماساچوستی ها» در سازمان برنامه و دولت گرفتار آن بودند و به طور طبیعی همین توهم را به شاه نیز منتقل کردند و شاه هم که تا آخر عمر دوام حکومت نکبت بار خود را مدیون امریکا بود، نمی توانست به ارباب خود نه بگوید. شاه با چشم بسته و عقل مصلوب شده به دام امریکا و امریکا پرستان افتاد و واکنش مثبت بعضی از کشاورزان در مقابل نمایش های اصلاحات ارضی را که در آغاز امیدوار بودند اصلاحات ارضی وضع شان را بهبود بخشد، باور کرد. اما هوکلاند در کتاب زمین و انقلاب در ایران می نویسد:

اصلاحات ارضی... برای اکثر آنان (دهقانان) فقر بی پایان همراه با عدم امنیت اقتصادی را به سرنوشتی تغییرناپذیر تبدیل کرد. کشاورزان که پس از چندی از توهم به در آمدند، به برنامه اصلاحات ارضی به تلخی

۱. رک: منوچهر فرمانفرمائیان و رخسان فرمانفرمائیان، خون و نفت؛ خاطرات یک شاهزاده ایرانی، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران، ققنوس، ۱۳۷۷، ص ۴۳۱-۴۳۰.

۲. شاپور بختیار، بیکرنگی، ترجمه مهشید امیرشاهی، بی نا، بی تا، ص ۱۰۷.

می‌نگریستند. آنها به حکومت مظنون بودند و نسبت به گروه کوچک مالکان غیابی و دهقانان صاحب زمینی که از اصلاحات منتفع شده بودند، کینه می‌ورزیدند.^۱

تاریخ نشان می‌دهد که سکوت امام در جریان اصلاحات ارضی و هزینه نکردن تمام دین و تمام حوزه‌های علمیه در مسئله‌ای که چندان هم مسئله‌استراتژیک امام در برخورد با سیاست‌های رژیم پهلوی نبود، تفکری ناشی از شناخت دقیق اثرات قریب‌الوقوع این لایحه در زندگی مردم بود. سیاست‌های فقر‌آور اصلاحات ارضی، ظرفیت‌های نهفته در قشرهای اجتماعی ایران را برای یک جنبش فعال آماده کرد. امام با اتخاذ سیاست صبر و انتظار و آگاهی‌بخشی به مردم، در کمین خارج شدن مردم از توهمات ناشی از نمایش‌ها و همایش‌ها و هیجان‌های جامعه در مورد تقسیم اراضی نشست.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ و سقوط دولت ملی، شور مذهبی، ملی و تاریخی ملت ایران برای آزادی و استقلال به ظاهر به رخوت گرایید. این شرایط بسیاری از جریان‌های سیاسی و حتی رژیم شاه را نیز فریب داد. آنها باور کردند با توجه به سیاست‌های مماشات آیت‌الله بروجردی با حوزه قدرت (که در اصل برای حفظ ارکان اقتدار علمی و اجتماعی و اتحاد حوزه در آن شرایط حیاتی بود)، امکان ندارد مثل دوران جنبش مشروطه و جنبش ملی شدن صنعت نفت، مذهب فعالانه و ساختار شکن به حوزه سیاست برگردد. فوت آیت‌الله بروجردی در فروردین سال ۴۰ و متعاقب آن فوت آیت‌الله کاشانی در اسفند همین سال، برای تمامی آن جریاناتی که به طور سنتی حتی از حضور سایه مذهب در سیاست واهمه داشتند، سال پایان مذهب در سیاست تلقی می‌شد.

اما برخلاف این توهمات، امام خمینی از انباشت شور انقلابی مردم در فرصت‌های به دست آمده از جنبش‌های سیاسی و اجتماعی یک صد سال گذشته، آگاهی داشت و کانون این شور انقلابی را می‌شناخت. این شور نیاز به رهبری پیشرو، آگاه به سیاست‌های زمان، شجاع، سازش‌ناپذیر و فرهمند داشت. یکی از تفاوت‌های اساسی نهضت ۱۵ خرداد با نهضت‌های گذشته این بود که در نهضت‌های گذشته رهبران نهضت به دنبال مردم می‌گشتند تا با ترفندهایی آنها را وارد صحنه کنند، ولی در نهضت ۱۵ خرداد این مردم بودند که به سراغ رهبر نهضت آمدند و امام خمینی را بدون واسطه هیچ حزب و گروهی انتخاب کرده و به رهبری او گردن نهادند و تا آخر هم بر عهده‌ی که

۱. رک: اریک. ج. هوکلاند، زمین و انقلاب در ایران، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران، شیرازه، ۱۳۸۱، ص ۱۷۹.

با امام خود بسته بودند، ماندند.

دلیل اصلی ای که مردم به سراغ امام آمدند این بود که امام سرچشمه‌های این شور انباشته شده را به درستی می‌شناخت و به آن باور داشت و آن را مبنای بیداری و تغییرات اساسی و بازسازی جامعه رو به مرگ نظام شاهنشاهی قرار داد. تاریخ نشان می‌دهد که اکثر جریان‌های سیاسی معاصر، این سرچشمه را باور نداشتند و اگر در جایی دم از مردم و توده‌های مردم زدند فقط برای این بود که مردم جاده را برای عبور این جریان‌ها به حوزه قدرت و سیاست باز کنند. بعد از آن دیگر مردم محلی از اعراب نداشتند و حتی در بسیاری از جاها وجه سازش بین قدرت و این جریان می‌شدند. اما امام به این سرچشمه اعتقادی راسخ داشت و معتقد بود که هر تحولی در ایران اگر از درون این چشمه نجوشد و اگر برای پاک و زلال شدن و جاری ماندن این چشمه نباشد، ارزشی ندارد.

جنبش و خروش امام خمینی در جریان لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، کارخانه مولدی برای این شور عمومی و ملی به حساب می‌آمد. امام به درستی می‌دانست اسلام اهل بیت همیشه نیروی عمده دگرگونی در ایران بود. جنبه انقلابی مذهب شیعه در ایران مجموعه‌ای متحرک و نیروزا است که در طول تاریخ در ایران فعال و تعیین‌کننده بود. مذهب در دوران معاصر تماماً تغییر و تجربه بود و عرصه آن به روی دیدگاه‌ها، فنون و نظریه‌های جدید همیشه گشوده بود.

از نظر امام اسلام در ایران مکتبی تشکل‌ساز و نوسازنده به حساب می‌آمد و اگر درست به مردم معرفی می‌شد در سخت‌ترین شرایط می‌توانست به برون‌رفت جامعه از رکود و رخوت کمک کند. این واقعیت که تمام جنبش‌های اجتماعی ایران در دوران معاصر تحت تأثیر مذهب و پرچمداری علمای دین به دستاوردهایی رسیده‌اند حاکی از آن است که در عصر جدید، بر خلاف توهّمات غربی‌ها و غربگرایان، مذهب پر دامنه‌ترین و با دوام‌ترین منبع شور انقلابی توده‌های مردم در ایران بود. دشواری‌های رژیم پهلوی و جریان‌هایی که معتقد بودند شاه باید سلطنت کند نه حکومت، بعد از کودتای ۲۸ مرداد ناشی از این توهم بود که:

اولاً، آنها این منبع انقلابی توده‌ها را نادیده گرفتند.

ثانیاً، تلاش برای تغییر اقتصاد کشور و شیوه زندگی مردم ایران را بدون مذهب می‌خواستند.

ثالثاً، در فضایی کاملاً نمایشی، فرمایشی، دیکته‌شده و بی‌مهار می‌خواستند این تحولات را ایجاد کنند. بیزاری از الگوهای ناخوشایند و دیکته‌شده امریکایی که خیلی



زود اثرات مرگبار خود را بر جامعه روستایی ایران نشان داد، همان نقطه عطفی بود که نطفه آن در لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی بسته شد و در کمتر از یک سال در ۱۵ خرداد سال ۴۲ به انفجار انقلابی رسید.



جلسه رسمی مجلس سنا که در آن لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی به تصویب رسید

شاید به همین اعتبار نهضت ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ برای اکثر ناظران از جنبه تئوریک نقطه ابهامی به شمار می‌آمد؛ زیرا این نهضت در پس‌زمینه جریان کامل نظریه‌ای اتفاق افتاد که بر مبنای آن بزرگترین تئوریسین‌ها و استراتژیست‌های غربی به این نتیجه رسیده بودند که با یک انقلاب از بالا می‌توان از بروز و ظهور جنبش‌هایی که از پایین آغاز می‌شود و عموماً ابزار دست جریان‌های کمونیستی برای ساقط کردن حکومت‌ها بودند، جلوگیری کرد.

این تئوری را در آن دوران به جان کندی سناتور ایالت ماساچوست امریکا منسوب کرده بودند که از طرف حزب دموکرات کاندیدای ریاست جمهوری بود. تئوری انقلاب از بالا که بعدها معروف شد به سیاست‌های جدید یا دکترین کندی بر این پایه استوار بود که برای جلوگیری از انقلاب‌های قهرآمیز مردم، مثل جنبش کوبا یا شورش‌های دهقانی در مکزیک و... کشورهایی که در معرض این انقلاب‌ها هستند باید یک سلسله اصلاحاتی شبیه: تقسیم اراضی بین کشاورزان، توسعه بهداشت، توسعه آموزش، دادن خدمات رفاهی به مردم و کم کردن فاصله‌های طبقاتی و اقداماتی از این قبیل هم‌جولوی خیزش‌های مردمی را بگیرند و هم این بهانه را از دست کمونیست‌ها خارج سازند.



این واقعیت که تمام جنبش‌های اجتماعی ایران در دوران معاصر تحت تأثیر مذهب و پرچمداری علمای دین به دستاوردهایی رسیده‌اند حاکی از آن است که در عصر جدید، بر خلاف توهّمات غربی‌ها و غربگرایان، مذهب پر دامنه‌ترین و با دوام‌ترین منبع شور انقلابی توده‌های مردم در ایران بود

تئوری انقلاب از بالا، بیش از آن که به جان‌کندی رئیس‌جمهور امریکا مربوط باشد از ایده‌های والت ویتمن روستو نظریه پرداز رشد اقتصادی و استاد تاریخ عقاید اقتصادی در انستیتو تکنولوژی ماساچوست دانشگاه ام. آی. تی بود که در دوران ریاست جمهوری کندی دستیار ویژه رئیس‌جمهور به حساب می‌آمد. نظریه پردازان توسعه، نظریه پنج مرحله‌ای رشد روستورا جنجالی‌ترین و قوی‌ترین نظریه توسعه در مقابل نظریه پنج مرحله‌ای ماتریالیسم تاریخی مارکس و انگلس می‌دانند.^۱

گروهی که در ایران طرفدار این نظریه شدند بخشی از جوانان وابسته به ارکان الیگارشی دولت پهلوی بودند که برای تحصیل به امریکا فرستاده شده بودند و در دانشگاه‌های ایالت ماساچوست مثل هاروارد، بوستون، نورث، ام. آی. تی و دیگر دانشگاه‌ها تحصیل کرده بودند. این عده در زمانی که حسین علاء و علی امینی سفیر ایران در امریکا بودند، مورد توجه سازمان سیا و دولتمردان امریکا قرار گرفتند. همان طور که در فصول پیشین گفته شد این عده بعد از برگشت به ایران بر تمام ارکان حیاتی کشور تا انقلاب اسلامی سیطره داشتند. رهبری اولیه این گروه که بعدها به «گروه ماساچوستی‌ها» یا گروه «کت سه چاکی‌ها» معروف شدند با حسنعلی منصور و بعد از او کلالی و هویدا بود. هسته تمرکز ماساچوستی‌ها در گروه پیشرو، کانون مترقی و حزب ایران نوین بود.

با تفصیل مذکور آنچه از نظر تحلیل‌گران غربی نقطه ابهام نهضت ۱۵ خرداد به حساب می‌آمد این بود که چگونه این نهضت در کمتر از سه سال این تئوری را ابطال کرد؟ و نشان داد جنبش‌های اجتماعی را لزوماً نمی‌توان از طریق تحلیل علائم عمومی که ممکن است در تمامی جنبش‌ها شبیه به هم باشند تجزیه و تحلیل کرد و نتایج آن را تعمیم داد.

شاه انقلاب سفید را بدون تأثیر روح احیاگر فرهنگ اسلامی - ایرانی مبنای نوسازی ایران قرار داد. نوسازی‌ای که حتی ریشه در تمایلات ملی‌گرایی بعضی از جریان‌ها نیز

۱. خوانندگان برای مطالعه بیشتر رک: والت ویتمن روستو، *نظریه پردازان رشد اقتصادی*، از هیوم تا ۱۹۳۹، ترجمه مرتضی قره‌باغیان، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴، ج ۱.



رژیمی که می‌داند با کودتای قدرت‌های خارجی بر مردم خود حکومت می‌کند همیشه باید انتظار داشته باشد یا از ناحیه مردم ساقط شود یا همان‌هایی که او را به قدرت رسانده‌اند از قدرت به زیر کشند. این دلهره‌ای بود که هم رضاخان و هم پسرش تا پایان حکومت نکبت‌بار خود با آن زندگی می‌کردند

نداشت. انقلاب سفید ابزاری برای نوسازی یک کشور عقب‌نگه‌داشته‌شده و تبدیل کشاورزان تولیدکننده به کارگران مصرف‌کننده شد. شاه اگر می‌دانست چگونه می‌توان جنبش توده‌واری به راه انداخت یا دست کم حتی شور ملی‌گرایانه را در انقلاب سفید حفظ می‌کرد شاید به این زودی ماهیت فرمایشی و نمایشی انقلاب خود را برملانمی‌ساخت. اما اربابان امریکایی شاه صبر و حوصله چندانی نداشتند. میل به تغییر

در آنها آنقدر واجد‌انگیزه‌های سطحی بود که حتی به اندازه دو سال نیز نتوانستند برای اصلاحات ارضی و انقلاب سفید شاه آبرو کسب کنند.

امام با هوشمندی این فرآیند را نظاره می‌کرد و هنر آن را داشت در مخالفت با یک لایحه به ظاهر عادی هدف‌های عملی را به آرمان‌های مقدس تبدیل کرده و شاه و امریکارا از مدار قدرت خارج سازد. دشوار نیست که پی ببریم چرا امریکا و حتی انگلیس نتوانستند نقش مستقیم و رهبری‌کننده را در برانگیختن رژیم شاه برای اصلاحات به درستی ایفا کنند. زیرا نظام‌های غربی نه مایل‌اند و نه قادرند روح احیاگرانه‌ای را در کالبد جوامع اسلامی بدمند. زیرا هیچ‌سختی بین فرهنگ استعماری و استبدادی و استکباری غرب در بیداری اسلامی وجود ندارد. امام می‌دانست اصلاحاتی که از دل فرهنگ استعماری و استبدادی تئوریزه شود محال است در جامعه مذهبی ایران منشأ اثر مثبتی باشد.

میل به تغییر در غرب متمایل به انگیزه‌های سطحی و صوری است و رژیم پهلوی در اصلاحات ارضی و انقلاب سفید همین انگیزه‌های سطحی و صوری را مبنای دگرگونی قرار داد. شاه مانند هر شخص فاقد اندیشه و تفکری انتظار داشت که به صرف تقسیم اراضی و انقلاب سفید خود به خود به موقعیتی غرورآمیز در دنیا و پذیرش تغییراتی که او در نظر داشت اجرا کند، دست یابد و امریکا از او راضی شود و تلاشی برای سرنگونی وی انجام ندهد؛ حتی اگر این رضایت به قیمت نابود شدن میلیون‌ها کشاورز ایرانی و بی‌عفت شدن زنان کشور و بی‌هویت شدن جوانان این مرز و بوم تمام شود. امام با مطالعه دقیق روایات رضاخان و پسرش می‌دانست که نمایش قدرتمندی آنها در مقابل ملت ایران چیزی فراتر از بزدلی ضعیفانه آنها در مقابل قدرتمندان و زورمداران بین‌المللی

تاریخ نشان می‌دهد که سکوت امام در جریان اصلاحات ارضی و هزینه نکردن تمام دین و تمام حوزه‌های علمیه در مسئله‌ای که چندان هم مسئله استراتژیک امام در برخورد با سیاست‌های رژیم پهلوی نبود، تفکری ناشی از شناخت دقیق اثرات قریب‌الوقوع این لایحه در زندگی مردم بود

نیست. امام می‌دانست رژیم پهلوی چون مجری اوامر امریکاست باور به آینده ندارد و آینده را مبهم می‌بیند. رژیمی که می‌داند با کودتای قدرت‌های خارجی بر مردم خود حکومت می‌کند همیشه باید انتظار داشته باشد یا از ناحیه مردم ساقط شود یا همان‌هایی که او را به قدرت رسانده‌اند از قدرت به زیر کشند. این دلهره‌ای بود که هم رضاخان و هم پسرش تا پایان حکومت نکبت‌بار خود با آن زندگی می‌کردند.

در رژیم پهلوی بین نمایش قدرت و باور به آینده هیچ پیوندی وجود نداشت و به همین دلیل از قدرت برای دفع امر نوین و وضع موجود استفاده می‌شد. به خاطر این ویژگی‌ها شاه حتی از مضحک‌ترین منابع قدرت یعنی: شعار، سخن‌پراکنی، نماد و نشانه و جشن و هنرهای نمایشی و سطحی می‌خواست نیرو بگیرد. امام این نقاط ضعف رژیم پهلوی را به خوبی می‌شناخت و می‌دانست اگر بتواند در میان مردم آگاهی و همدلی به وجود آورد و در حوزه‌های علمیه اتفاق ایجاد کند می‌تواند با آوردن مردم به صحنه رژیم شاه را بی‌آبرو و رسوا سازد. این فرصت در زمینه‌های اصلاحات ارضی به دست نمی‌آمد ولی لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی به دلیل این که به رکن استقلال، همبستگی و هم‌سویی اکثریت مطلق ملت ایران یعنی مذهب اسلام هجوم آورده بود شرایط آن را داشت مبنای شور انقلابی قرار گیرد.

لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی مستقیماً قلب فرهنگ ایران یعنی باورهای اسلامی مردم را نشانه گرفت. از جنگ دوم جهانی شبکه‌ای از نیروهای دست‌آموز جدید در لانه جاسوسی امریکا در ایران در آن دوران، یعنی اداره اصل چهار ترومن، تربیت شدند که وابسته به سه شبکه جاسوسی متصل به هم در ایران بودند: شبکه بهائیت، شبکه فراماسونری و شبکه یهودیان صهیونیست که مستقیماً برای اسرائیل در ایران فعالیت می‌کردند.

هر سه شبکه جای پای محکمی در دولت علاء و امینی داشتند و قلب دولت یعنی سازمان برنامه و بودجه را در اختیار گرفته و از آنجا سیطره اختاپوسی خود را بر ارکان حکومت گسترده می‌ساختند. بسیاری از این افراد پنهان‌کاری در حوزه مذهب را دیگر روانمی‌دانستند و با کمال وقاحت حتی در درون دولت و به صورت علنی به تبلیغ مذهب



بهارها سه شماره ۱

گزارش اطلاعاتی وزارت دفاع

۲۷ خرداد - (مجموعه - شرقی قابل انتشار برای اطلاعات)

الف - از نظر تعداد - مذهب شیطانگری قابل اطمینان است و در
- جمع تصمیم گیری و در دولت ایران بر حال احوال خود است. از احوال
- مذهب شیطانگری می توان سرهنگ تمام عبدالکریم ابادی برنگه شخصی
- شاه ایران - سرهنگ تمام فریدون چم (از دست) سرانجام در
- ایما! مذهب پیشین فرزند شاه که یک بنای مذهب و توسعه شخصی
- سرهنگ ایما! است و حداقل یکی از فرماندهان نیروی مسلحی جوان
- ایران و چند تن از کارمندان فاسد و سوسلی نیروی جوانی - می توان
- نام برد.

ب - توسعه گویی بهائگری و انظاراً - به خود سرهنگ تمام یاد
- در رابطه با شاه نسبت می رسد که در مسجده شاه شعبان شیطانگری
- و روح آنرا در ایران تصویر و مانند کرده است. تا به کنه های
- دیگر این گروه به فرهنگها است. در ترکیه زبان در استقامت
- اطلاعات ارضی و اجرت و بزرگی تاثیر بسیار داشته است. ظاهراً
- این برنامه ها به دگرگون سازی مذهب شیطانگری دارند تا به دین اسلام
- ب. لنگر حوزة انجام برنامه شیطانگری در ملا تمام معهود
- است. ولی غرضی که از معویت در این گروه وجود داشت ظاهراً رو
- به تغییر است. گویا بهائیه بسیار حد سلطانان هستند و متکلمان
- شیعه را متحول نمودند. ایران از تریه رهبران شیعی مذهبی که
- بر سلطانان بوسواد تاثیر می گذارند، می دانند.

فرماسونری، بهائیت و صهیونیسم در ایران می پرداختند. گزارش متنوعی از ساواک درباره نفوذ این سه جریان در ساختار حکومت پهلوی وجود دارد که نشان می دهد چرا امام خمینی نقطه تمرکز حمله خود به رژیم پهلوی را از ابتدا بر مخالفت با بهائیت و اسراییل قرار داد و ستون های دوام امریکا در ایران را این جریان ها معرفی کرد.

حظرت آقا گلشن آبرویا که در تهران طی نامه محرمانه بکتابه محفل شای سرایس ایران اعلام نموده کلمه بهائیت را که در نزد ایشان مسلم شایسته ای محسوب می‌شاید و بر نظر داشته و نیز آمار گزیده افراد بهائیان از سران تا افراد پایین یک یادداشت به حضرت آقا گلشن آبرویا ارسال تا به بیت العدل و به مراجع تقلید لندن و برسد امکانات در

این کار اوسان گردد و آقای ...

در این اسکاوت آمان مرود نظر ...

را حواله و تاکنون بهائیان ...

کسب در ارتش، تشویق و ...

زادار و بی خدمت می‌باشد ...

نموده است آمار مرود نظر را ...

تهیه نماید.

نظریه به شایسته، خبر خدمات دارد ...

نظریه به بخشند، ضمن نامه ...

نظریه شایسته مرود نظر از طریق ...

مرکز ...

میباشد.

نظریه چهارم نیز به ...

توجه به نامه من شایسته به ...

صحت خبر مزبور مستقر ...

انضمین باشد.

نظریه پنجم مرود نظر با ...

مراد، اما به امارت جاهلان نقل کنند و بر سر است ...

نظریه ششم مرود نظر از ...

این کار اوسان گردد و آقای ...

در این اسکاوت آمان مرود نظر ...

را حواله و تاکنون بهائیان ...

کسب در ارتش، تشویق و ...

زادار و بی خدمت می‌باشد ...

نموده است آمار مرود نظر را ...

تهیه نماید.

نظریه به شایسته، خبر خدمات دارد ...

نظریه به بخشند، ضمن نامه ...

نظریه شایسته مرود نظر از طریق ...

مرکز ...

میباشد.

نظریه چهارم نیز به ...

توجه به نامه من شایسته به ...

صحت خبر مزبور مستقر ...

انضمین باشد.

نظریه پنجم مرود نظر با ...

مراد، اما به امارت جاهلان نقل کنند و بر سر است ...

نظریه ششم مرود نظر از ...



چون دولت اسرائیل در تهران فرخبدان فرودرس تعاینده تم زجمن موسوم به DORIEL وارد و تاکنون بوسطه این نماینده و ۱۶ نفر از زورفاده نگاران ایرانی برای مسافرت به کشور اسرائیل دعوت و عمل آمیزه است این روزنامه نگاران ایرانی بد از رایجیت از کشور اسرائیل مشاهده است خود را شناسایی و مسرتاز در



روزنامه های غرض منتشر نمودند و حتی بعضی از جراید بمذولت بیستفاده نمودند که ایران با اسرائیل روابط سیاسی و بازرگانی در تعاید قرار اطلاع بود از نظر این استالان در جراید مهران وزارت خارجه در وقت حدودی سرین جاده نشی وزارت خارجه اسرائیل توسط مفر کسیر عراق در جاده فرستاده و نسبت به استرجاع خسارت مهران افسر نظر نسود است در یادداشت اخباری آمو دولت

تومین سعیدی ز جمله جنین نوشته شده است (هرایند ایران بر له اسرائیل لایحهات میفانند و این باافان و غایبه نتایج حالی ملل حرب میباشند دولت ایران که نمک توانت اسرائیل است باید از نشر انگیزه متغای جانوگی بی اداری. هنوز از طرف دولت ایران یادداشت اعتراضیه دولت عربی سعودی، پاسخ داده شده و وزارت امور خارجه طی نامه ای از حذای آقای نخست وزیر نظر دولت را در بنوعی درخواست است

تاریخ: ۱۳۵۷/۳/۲۷
شماره: ۳۲۰ و ۳۲۱
شماره: ۳۲۰ و ۳۲۱
شماره: ۳۲۰ و ۳۲۱



تزارش

آقای آید، خوانی تبعه اسرائیل و تنس کل آژانس یهود بین امنیتی حمله تباریل
 خطیبی سخنرانی به پهران وارد کرده و مشغول مسافرت در شهرستانها مسانند تا
 پوششدها یهودیان شیرستانها : میادگی تباریل العیر ده معنا وزیر امور خارجه
 کشور انقلابی اسرائیل است که برای کذب و رها اینکه اکثرین کشور اسرائیل را
 برسد، قشناخته که تمام سازمان سوختوت جهانی بن اسرائیلی انجام یافته
 می باشد.



وزیر امور خارجه تمام تباریل
 اداره دوم تباریل و مشاوره به
 اداره کتبی دوم و تباریل کتبی سوم
 ارسال گردد.

۱۳۴۰/۳/۱۰

ریکاره شده ۲/۲/۶۱
 بنامه ای از یکم
 و تقسیم بر تباریل کل.





انجام حساب

حسابگرانی ایرانی برای جابجایی مهاجرین و کمک با کارمندان آژانس برای انجام مأموریت‌های خود

نموده:

حسابگرانی بی‌سابقه ایرانی

مهاجران حسابگر بی‌سابقه ایرانی

کتابی از مهاجران حسابگر بی‌سابقه ایرانی که چندی است در تهران کفایت یافته و چند روز قبل چاپ شد. این کتاب به نام

کتابی از مهاجران حسابگر بی‌سابقه ایرانی که چندی است در تهران کفایت یافته و چند روز قبل چاپ شد. این کتاب به نام

کتابی از مهاجران حسابگر بی‌سابقه ایرانی که چندی است در تهران کفایت یافته و چند روز قبل چاپ شد. این کتاب به نام

کتابی از مهاجران حسابگر بی‌سابقه ایرانی که چندی است در تهران کفایت یافته و چند روز قبل چاپ شد. این کتاب به نام

کتابی از مهاجران حسابگر بی‌سابقه ایرانی که چندی است در تهران کفایت یافته و چند روز قبل چاپ شد. این کتاب به نام

شماره ۳۰۶-۳۵۵ گزارش اطلاعات داخلی تاریخ ۱۳۶۶/۱/۲۶
 مرسع التیث منهنی یورد

درون خاکبرد سپید رنگی مشاهده گردید که به همراه آن یک تکه کوچک از سنگ آهک نیز در آن قرار دارد.
 گویا این آثار در محوطه ۳ محوطات لرزان و مسدود شده و آثار آن در زمان سرنگ
 خندانی واقع شده است. این آثار در زمان سرنگ و در زمان سرنگ و در زمان سرنگ
 در سال ۱۳۶۵ و در روز ۲۶ به لرزان و سایر زمان سرنگ و در زمان سرنگ



مشکلی در مرسع ثابت صورت
 بدنه آن به اندازه ۱۰ متر مربع
 مشاهده شد
 که در آن یک تکه از سنگ آهک
 قرار دارد و در زمان سرنگ
 آن در محوطه ۳ قرار دارد
 مشرف به محوطه ۳ و
 یک تکه از سنگ آهک نیز
 در آن مشاهده شد
 در سال ۱۳۶۵
 در روز ۲۶

این آثار در محوطه ۳
 در زمان سرنگ
 مشاهده گردید
 که در آن یک تکه
 از سنگ آهک نیز
 در آن مشاهده شد
 در سال ۱۳۶۵
 در روز ۲۶





اطلاعیه

در تاریخ ۱۳/۱/۹۴ مقدار ۱۳ کیلو طلا پوسیده شویبهای اسکاتلندی
شام شوشانی کارمند آقای دکتر دوزین تمایزه تجارتی اسرائیل وارد و مرخص
گردید.

دلاره پنجم

تلفات برای دکتر میرزا پور شده
۱/۲۳
جزدگانه تهیه شود. با یکبار شروع

۲۹۷

۹۲/۱/۹۴

اطلاعیه

در تاریخ ۱۳/۱/۹۴ مقدار ۱۳ کیلو طلا پوسیده شویبهای اسکاتلندی
شام شوشانی کارمند آقای دکتر دوزین تمایزه تجارتی اسرائیل وارد و مرخص
گردید.

۳۹۷

۹۲/۱/۹۴

با این تمایزه شویبهای اسکاتلندی
به کارمند

۳۹۷

۹۲/۱/۹۴

تاریخ ۱۳۳۹/۵/۱۸

متن تلگرام آیت‌الله العظمی حکیم به آقای حاج سید محمد بهیانی دربارۀ
شناسایی اشغالگران فلسطین از سوی رژیم شاه

تلفاتی

بسم الله الرحمن الرحیم و الهامد

آیت‌الله بهیانی - تهران

خبر شناسی اسرائیل توسط دولت ایران، خشم و نگرانی عمیق مسلمانان را برانگیخته
و موجب اعتراض شدید گردیده است. امید است مقامات آن کتبی را صحیحت کند
به وظایف اسلامی خود عمل نماید و به اعمالیات سلطانان اجرام بگذارد. جدای
سجده توفیق و عهده و باری کند. است.

محسن العبادی حکیم





سند شماره ۱

سری

۲۸ ژانویه ۵۷-۲ بهمن ۱۳۳۵

دکتر دوریل، اسرائیلی

نماینده غیر رسمی اسرائیل در تهران، درگنجانی موضوعاتی
بر طرفداران اسرائیل، در مطبوعات محلی بسیار فعال بوده است.
تمامی اواز طریق عباس شاهنده ناشر مجله "فرمان و بهتدیس" صدائیه
دلی ناشر و مالک تهران حضور صورت می‌گیرد. چندی سابق آمده که وی
در خلال هفته اول نوامبر یکصد هزار رمال به روزنامه‌نگاران پول
داده است.

منبع: انتشارات منبع کنترل شده آمریکایی

۱۹ نوامبر ۱۹۵۶ - ۲۸ آبان ۱۳۳۵

سند شماره ۱۲

سوی

ماریج: ۱۲ مارس ۱۹۷۰ - ۲۶ اسفند ۱۳۴۸
به: جناب خاور نزدیک / ایران - آقای بیگلری
از: جناب ای. آلیکین

ارجاع به: نامه غیر رسمی شما مورخه ۱۷ مارس ۱۹۷۰
موضوع: عملکرد خط لوله اسرائیلی

ببخش ما بر حسب اطلاعات موجود چنین است: مشخصاً بر مبنای
که در خط لوله اسرائیل جریان دارد از ایران می‌باشد. ملاحظه که
حدود ۷۵۰۰۰ الی ۱۰۰۰۰۰ بشکه هر روز می‌باشد از کرانهٔ ملتانم و
سراسر سوا که در سال ۱۹۶۷ توسط اسرائیل اشغال گردید تا این
بمورد

بشتر ما اکثر بخیر که در خط لوله اسرائیل جریان دارد مشغول
به شرکت ملی نفت ایران می‌باشد. در اینگونه موارد، خارج از کشور
۳۰۰۰۰۰ بشکه هر روز بود که ۱۲۰۰۰۰ بشکه آن به شرکت ملی نفت ایران
مشغول دارد. (بسیاری همه این مقدار به اسرائیل می‌رود چرا که ایران
مشترکاتی هم در بحر سوئز دارد). تا حد ۱۰۰۰۰۰ بشکه دیگر در
روز از نفت شرکت ملی ایران می‌گردد. نحن تواندهای می‌دانده: بعضی
سین شرکت نفت و کیمبرسون که به موجب آنها شرکت نفت می‌باشد
امدادار یعنی نفت بر اساس که صنعت quarter way از کیمبرسون





بحرود تا به کشورهای مشخص شده‌ای در اروپای غربی بفرستد. هر خط
نولده اسرائیل جریان داشته باشد. تصور میشود اگر بحث حریداری
شده میادلهای مدروغانی بود.

انگان آن هست که مداری از بحث ایران که توسط اصنای اینرکن
و ما دیگر گمراهیهای کوچکی که مناسی در کشورهای عربی ندارند
از طریق خط اوله اسرائیل فراهم شود. سیرطان تا هیچگونه مداری
که نشانگر استفاده هیچ یک از گمانداری ایمنی مناسی در کشورهای عربی
از خط اوله اسرائیل باشد نداریم. و با خط داریم که آنها چنین
کاری کنند.

شماره ۳۳۳

مجلس تصویب نامه انجمن های ولایتی و ولایتی و حمله به قلب فرهنگ ایران

بسم الله الرحمن الرحیم
 اینک در جلسه علنی روز شنبه مورخه ۱۳۲۵/۱۰/۲۴ در محل اجتماعات انجمن های ولایتی و ولایتی و حمله به قلب فرهنگ ایران
 در مورد تصویب نامه انجمن های ولایتی و ولایتی و حمله به قلب فرهنگ ایران
 که در تاریخ ۱۳۲۵/۱۰/۲۴ در تهران تصویب گردید و در آنجا
 در مورد تصویب نامه انجمن های ولایتی و ولایتی و حمله به قلب فرهنگ ایران
 که در تاریخ ۱۳۲۵/۱۰/۲۴ در تهران تصویب گردید و در آنجا
 در مورد تصویب نامه انجمن های ولایتی و ولایتی و حمله به قلب فرهنگ ایران
 که در تاریخ ۱۳۲۵/۱۰/۲۴ در تهران تصویب گردید و در آنجا

تصویب نامه
 تصویب نامه
 تصویب نامه





تحلیلی مبحث مقاله

ردیف	عنوان مقاله	نویسنده
۱	تحلیل مبحث مقاله	...
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰

موضوع این مقاله ... است. در این مقاله به بررسی ... پرداخته شده است. نویسنده در ابتدا به بیان اهمیت ... پرداخته و سپس به بررسی ... می‌پردازد. در ادامه، نویسنده به بررسی ... می‌پردازد و در نهایت به بیان نتیجه‌گیری ... می‌پردازد. این مقاله به روش ... نوشته شده است و دارای ... است.

در این مقاله، نویسنده به بررسی ... می‌پردازد و در ادامه، نویسنده به بررسی ... می‌پردازد و در نهایت به بیان نتیجه‌گیری ... می‌پردازد. این مقاله به روش ... نوشته شده است و دارای ... است.

نویسنده در این مقاله به بررسی ... می‌پردازد و در ادامه، نویسنده به بررسی ... می‌پردازد و در نهایت به بیان نتیجه‌گیری ... می‌پردازد. این مقاله به روش ... نوشته شده است و دارای ... است.

فصل ...
 شماره ...
 تاریخ ...

تسهیلات بانقایی به زائران اسرائیل

تاریخ ۲۸/۶/۶۶

شماره ۱۶۳۰
مدرسه باطنیه

اول اسفند ۶۶ روزی عزیز را آنکه سبب مبارک او در انتشار نامه
تسهیلات بانقایی به زائران اسرائیل در شهر تهران و شهرستانها
و اما آقایان عزیز را که در این بین آموخته اند که اگر نامه

۱- تسهیلات بانقایی	۲- تسهیلات بانقایی
۳- تسهیلات بانقایی	۴- تسهیلات بانقایی
۵- تسهیلات بانقایی	۶- تسهیلات بانقایی
۷- تسهیلات بانقایی	۸- تسهیلات بانقایی
۹- تسهیلات بانقایی	۱۰- تسهیلات بانقایی
۱۱- تسهیلات بانقایی	۱۲- تسهیلات بانقایی
۱۳- تسهیلات بانقایی	۱۴- تسهیلات بانقایی
۱۵- تسهیلات بانقایی	۱۶- تسهیلات بانقایی
۱۷- تسهیلات بانقایی	۱۸- تسهیلات بانقایی
۱۹- تسهیلات بانقایی	۲۰- تسهیلات بانقایی
۲۱- تسهیلات بانقایی	۲۲- تسهیلات بانقایی
۲۳- تسهیلات بانقایی	۲۴- تسهیلات بانقایی
۲۵- تسهیلات بانقایی	۲۶- تسهیلات بانقایی
۲۷- تسهیلات بانقایی	۲۸- تسهیلات بانقایی
۲۹- تسهیلات بانقایی	۳۰- تسهیلات بانقایی
۳۱- تسهیلات بانقایی	۳۲- تسهیلات بانقایی
۳۳- تسهیلات بانقایی	۳۴- تسهیلات بانقایی
۳۵- تسهیلات بانقایی	۳۶- تسهیلات بانقایی
۳۷- تسهیلات بانقایی	۳۸- تسهیلات بانقایی
۳۹- تسهیلات بانقایی	۴۰- تسهیلات بانقایی
۴۱- تسهیلات بانقایی	۴۲- تسهیلات بانقایی
۴۳- تسهیلات بانقایی	۴۴- تسهیلات بانقایی
۴۵- تسهیلات بانقایی	۴۶- تسهیلات بانقایی
۴۷- تسهیلات بانقایی	۴۸- تسهیلات بانقایی
۴۹- تسهیلات بانقایی	۵۰- تسهیلات بانقایی
۵۱- تسهیلات بانقایی	۵۲- تسهیلات بانقایی
۵۳- تسهیلات بانقایی	۵۴- تسهیلات بانقایی
۵۵- تسهیلات بانقایی	۵۶- تسهیلات بانقایی
۵۷- تسهیلات بانقایی	۵۸- تسهیلات بانقایی
۵۹- تسهیلات بانقایی	۶۰- تسهیلات بانقایی
۶۱- تسهیلات بانقایی	۶۲- تسهیلات بانقایی
۶۳- تسهیلات بانقایی	۶۴- تسهیلات بانقایی
۶۵- تسهیلات بانقایی	۶۶- تسهیلات بانقایی
۶۷- تسهیلات بانقایی	۶۸- تسهیلات بانقایی
۶۹- تسهیلات بانقایی	۷۰- تسهیلات بانقایی
۷۱- تسهیلات بانقایی	۷۲- تسهیلات بانقایی
۷۳- تسهیلات بانقایی	۷۴- تسهیلات بانقایی
۷۵- تسهیلات بانقایی	۷۶- تسهیلات بانقایی
۷۷- تسهیلات بانقایی	۷۸- تسهیلات بانقایی
۷۹- تسهیلات بانقایی	۸۰- تسهیلات بانقایی
۸۱- تسهیلات بانقایی	۸۲- تسهیلات بانقایی
۸۳- تسهیلات بانقایی	۸۴- تسهیلات بانقایی
۸۵- تسهیلات بانقایی	۸۶- تسهیلات بانقایی
۸۷- تسهیلات بانقایی	۸۸- تسهیلات بانقایی
۸۹- تسهیلات بانقایی	۹۰- تسهیلات بانقایی
۹۱- تسهیلات بانقایی	۹۲- تسهیلات بانقایی
۹۳- تسهیلات بانقایی	۹۴- تسهیلات بانقایی
۹۵- تسهیلات بانقایی	۹۶- تسهیلات بانقایی
۹۷- تسهیلات بانقایی	۹۸- تسهیلات بانقایی
۹۹- تسهیلات بانقایی	۱۰۰- تسهیلات بانقایی





کتابخانه ملی ایران - تهران

دوره سوم - سال هجری دهم - شماره ۴۳ و ۴۴

دوره سوم - سال هجری دهم - شماره ۴۳ و ۴۴

دوره سوم - سال هجری دهم - شماره ۴۳ و ۴۴

دوره سوم - سال هجری دهم - شماره ۴۳ و ۴۴

دوره سوم - سال هجری دهم - شماره ۴۳ و ۴۴

دوره سوم - سال هجری دهم - شماره ۴۳ و ۴۴

دوره سوم - سال هجری دهم - شماره ۴۳ و ۴۴



اسناد مذکور تنها نمونه های اندکی از گزارش های ساواک در مورد فعالیت های علنی اسرائیل و بهائیت در ایران است که قرار بود از طریق لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی زمینه های فعالیت آنها در ساختار محلی و ملی دیوانسالاری کشور رسمی و قانونی شود.^۱ داستان وارد شدن زنان به انتخابات انجمن های ایالتی و ولایتی نیز بخشی از این طرح بود تا سیاست های جایگزینی دیوانسالاری جدید و تازه نفس و جوان امریکایی در ایران به جای دیوانسالاری فرسوده، از کار افتاده و فرتوت انگلیسی در دربار پهلوی تکمیل گردیده و خیال امریکاراحت شود که دیگر شاه مصلوب الاراده ایران نمی تواند به پشتوانه دولتمردان انگلوفیل نسبت به اجرای فرامین امریکا تعلق ایجاد نماید.

لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی به نوعی فضا را برای خواسته های بهائیت و صهیونیست ها که در ارکان حکومت پهلوی نفوذ داشتند باز می کرد و امام می دانست اگر قبح حضور و فعالیت این جریان های ضد انسانی و ضد اسلامی در ایران شکسته شود با توجه به ساختار کاملاً وابسته رژیم پهلوی، مصائب ملت ایران به مراتب بدتر از پیش خواهد شد و همان بلایی که بر سر کشورهای اسلامی آمد بر سر ایران نیز خواهد آمد. در آذر سال ۴۱ امام در پاسخ به استفتاء بازرگانان و اصناف قم دقیقاً به این نکات استراتژیک که در متن لایحه انجمن ها خوابیده بود اشاره می کند:

خطر بزرگی که برای اسلام و استقلال و کیان مملکت به واسطه این تصویب نامه، که شاید به دست جاسوسان یهود و صهیونیست ها تهیه شده برای نابودی استقلال و به هم زدن اقتصاد مملکت... به قوت خود باقی است... اینجانب حسب وظیفه شرعی، به ملت ایران و مسلمین جهان اعلام خطر می کنم قرآن کریم و اسلام در معرض خطر است. استقلال مملکت و اقتصاد آن در معرض قبضه صهیونیست هاست، که در ایران به حزب بهایی ظاهر شدند و مدتی نخواهد گذشت که این سکوت مرگبار مسلمین، تمام اقتصاد این مملکت را با تأیید عمال خود قبضه می کنند و ملت مسلمان را از هستی در تمام شئون ساقط می کنند. تلویزیون ایران پایگاه جاسوسی

۱. خوانندگان برای مطالعه این اسناد رک: اسناد لانه جاسوسی آمریکا جلد های ۸، ۳۶، ۳۷، ۶۰؛ همچنین رک: قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ج ۲؛ و کتاب اسناد بدون شرح همین مرکز و در مورد فعالیت فراماسونری در رژیم پهلوی رک: کتاب ۴ جلدی فعالیت های کلوب لاینز و کلوب روتاری در ایران به روایت اسناد ساواک که توسط مرکز بررسی اسناد تاریخی در سال ۱۳۹۰ منتشر شده است. در مورد نفوذ بهائیت در رژیم پهلوی نیز متون بسیار زیادی منتشر شده است که مجموعه سه جلدی فعالیت بهائیت در ایران اثر مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر از جمله این آثار می باشد.



یهود است و دولت‌ها ناظر آن هستند و از آن تأیید می‌کنند...^۱ مقابله با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی دیگر برای امام مقابله با یک موضوع شبیه به اصلاحات ارضی نبود. اصلاحات ارضی مستقیماً و حتی غیر مستقیم ارکان اسلامی کشور را مورد تهدید قرار نمی‌داد و به صورت علنی مغایر با قانون اساسی رژیم مشروطه نبود. اما لایحه مذکور نه تنها مستقیماً به سراغ اسلامی بودن ایران آمده بود بلکه علناً قانون اساسی را نیز به بازی گرفته بود.

تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و الغای شرط اسلام از رأی‌دهنده و انتخاب‌شونده، مقدرات مسلمین را به دست غیر مسلمانان مانند یهودی‌های بهایی بسپارند. اگر استان‌های این کشور به دست غیر مسلمان بیفتد چه بسا ممکن است از حلقوم خبیث آنها صدایی غیر از قرآن شنیده شود و آن روز است که خطرهای بزرگی متوجه می‌شود؛ نه تنها اسلام و قرآن حفظ نخواهد شد، بلکه تمام حیثیات شما خواهد رفت. اقتصادیات، بازار، ذخایر مملکت، همه و همه خواهد رفت...^۲

اگر امام اجازه می‌داد جریان بهائیت در حکومت پهلوی از طریق تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی قانونی و نهادینه شود و آن گونه که در آن دوران شهرت پیدا کرده بود که امریکاییان در نظر دارند ایران را یک کشور بهایی کنند، اکنون منطقه و جهان اسلام در کنار پدیده شوم صهیونیسم، با پدیده شوم دیگری که پیوند ناگسستنی با صهیونیسم نیز داشت، به نام بهائیت روبرو بود. پدیده‌ای که به مراتب ارتجاعی‌تر و خطرناک‌تر از وهابیت و گروه‌های وابسته به وهابیت و صهیونیسم در منطقه و جهان بود. اگر این سه پدیده شوم در کنار پدیده شوم دیگری که امریکایی‌ها در نظر داشتند از طریق «فرقه آقاخان‌ها» در منطقه شیعه‌نشین علاقه‌جات شمالی یعنی گلگیت و بلتستان پاکستان، به نام یک کشور اسماعیلیه درست کنند، قرار می‌گرفت انصافاً اوضاع مسلمانان و کشورهای اسلامی امروز چه چشم‌اندازی داشت!؟

اینها خطرهایی بود که امام در پشت تصویب‌نامه به ظاهر عادی انجمن‌های ایالتی و ولایتی می‌دید و می‌دانست که امریکا و هم‌پیمانان صهیونیستی آنها به همان روش ناجوانمردانه‌ای که با صاحبان اصلی سرزمین امریکا یعنی سرخ‌پوستان برخورد کردند و آنها را از هم پاشیدند به سراغ سرزمین‌های اسلامی که تمامی ذخایر استراتژیک انرژی

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۱۰-۱۰۹.

۲. همان، ص ۱۰۴.

نفت و گاز جهان در آن قرار دارد آمده‌اند و تا این سرزمین‌ها را از هم نپاشند دست از سر مسلمانان برنخواهند داشت. اکنون اوضاع منطقه و جهان اسلام نشان می‌دهد که بسیاری از پیش‌بینی‌های امام به حقیقت پیوسته است و تنها کشوری که از تیر فتنه‌های فرقه‌گرایی امریکایی‌ها در منطقه در امان مانده است کشور ایران است زیرا ملت ایران همچنان بر سر آرمان‌های امام باقی مانده است. هر فتنه‌ای که این آرمان‌ها را متزلزل کند و یکپارچگی ملت ایران را از هم بپاشاند بی‌تردید یک فتنه شاهانه و امریکایی است.

شاه با نیرنگ در بطن تصویب‌نامه عمداً مسئله انتخابات زنان را در کنار حذف قرآن قرار داد تا از این طریق نتایجی را که نتوانست در اصلاحات ارضی

اگر امام اجازه می‌داد جریان بهائیت در حکومت پهلوی از طریق تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی قانونی و نهادینه شود و آن گونه که در آن دوران شهرت پیدا کرده بود که امریکاییان در نظر دارند ایران را یک کشور بهایی کنند، اکنون منطقه و جهان اسلام در کنار پدیده شوم صهیونیسم، با پدیده شوم دیگری که پیوند ناگسستنی با صهیونیسم نیز داشت، به نام بهائیت روبه‌رو بود. پدیده‌ای که به مراتب ارتجاعی‌تر و خطرناک‌تر از وهابیت و گروه‌های وابسته به وهابیت و صهیونیسم در منطقه و جهان بود

برای ضربه زدن به روحانیت و حوزه‌های علمیه بگیرد در تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی بگیرد. تاکتیک رژیم شاه هم در اصلاحات ارضی و هم در تصویب‌نامه این بود که بخشی از مردم را با روحانیت درگیر کند و از دل این درگیری نتایج استراتژیک که حذف روحانیت و مذهب اسلام از حیطه سیاست بود، بگیرد. یعنی از تاکتیک‌ها نتایج استراتژیک استخراج کند. اما امام باهوش‌تر از آن بود که گرفتار چنین نیرنگی شود. مخالفت امام با انتخاب زنان بیش از آن که ماهیت شرعی داشته باشد متکی به قانون اساسی بود.

جالب اینجاست که این تنها امام نبود که مطرح شدن انتخاب زنان در تصویب‌نامه و بعداً در انقلاب سفید را در آن دوران یک تاکتیک رژیم برای اتخاذ نتایج استراتژیک تلقی می‌کرد بلکه بسیاری از گروه‌ها و کارگزاران رژیم پهلوی نیز چنین دیدگاهی داشتند و این داستان‌ها را اقدامات نمایشی رژیم پهلوی برای مقاصد دیگری که پشت این نمایش‌ها خوابیده است می‌دانستند. به عنوان مثال نهضت آزادی در اعلامیه آبان ۱۳۴۱ خود می‌نویسد:

اعطای حق به زن‌ها و یا مردها و اجرای انتخابات صحیح و واگذاری کارها به مردم در بین نیست.^۱

۱. استاد نهضت آزادی ایران، تهران، نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۱۷۳-۱۷۱.





دولت از مابهری انتخابات انجمن‌های ایالتی چه عیبایی دارد؟

چندی است مرثت خاکمده بعنوان یک گم‌نارو و مبتدیگر جهت تأمین آزادی و تسهیم معومکرسی بسطقی تسریع از وظایف اساسی وضع خود (۱) وندت انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی را داده سروصدای حق رأی انجمن‌ها را برده انداخته است.

دولت را آن عمل خود چه خوب تازه‌ای برای مردم دیده و چه نصیحتی

دارد؟

اگر مسلم اینست که حق تعیین برتری آزادی و حق انتخاب کردن کسی نیست است و بهرچگونه قلمد اعطای حق به زود و یا مزدها و امتزای انتخابات صحیح و واگذاری کارها شروع در این نیست، وقتی طرفه هر دو حق قانون اساسی و دست ۲۰ ساله مشروطیت را سر بر روی فرقه‌ها و مصلحت ایران یا از انتخابات مجلس شورای ملی محروم میکند نمی‌تواند است که چگونه محکوم را حق رأی انتخاب کند و نگذارد همین‌طوری ایالتی و بعد مجلس شود. زانها مگر مرده‌ها را نیز مسکند چه حال و چه دورهای بعد از کوبت که آن بی‌وقتی انتخاباتی بعضی مردم حق رأی دارند و داشته که زود از آنها محروم باشد (۲) بقصد انحراف جزیر و روشنگر ما گویا چنین قصد ماریه را نمی‌تواند.

پس بحث بر اینکه انتخابات انجمن‌های ولایتی چگونه باشد و چه





منگت بنواهد در همان دوره برف در نظیر خاور میانه بنایند تا چنان است که
نکته فوق را توضیح دهد

۱ - آنچه نمایان اندام و کثرت در عین مسلمان مخلوقات بیچینه
زنجیر و سر نهیها پس چونگردد از آزادی و دفاع خودمانست همه آرزو و سر
بده جنگی خودمان را بزم پارسی و حکومت قانون و زمین حقوق و
آزادیهای متروک و معنی برآورد.

۲ - این اسلام و رومانیون اسلام مخالف حق و برهان نه نیست
اسلام برای اولین بار به زلفه افکند، عدم در حق منگت و تصرف در آزادی و
موقع حمله خود را در مورد و لذا را اراکین از این نکته و غیر پس
اولین قرین و ملازم و کشیدگی برده و بهیچیکم صحبت دالینه بحث داده
اقدامات را فرمود.

ببینی است که حیات اسلام با حیات ما در دنیا و دنیا بردها
باشد بلکه بشود شرفا حق میباشند مستقیم در میان و مراع و اعتدال و کی
در گزینهای خود را در کتاف و بی رومانیون یا شرایط موجود و پس اینکه
بودن هیچ شمشیر از وقت نکند نگردد که حالا بخواند به نوبت به نعمت
گنا انبویان را بیشتر از جهت انقضای است که در چنین ششدها بوقته است و
شکستن سرهای ملام و فایز داعی که مخصوص دولت سرانده افکند از پس
دارند که با بیروت اشخاص بود در چند سالهای سراسر و کثافتها به برداشتی و
بر بعضی علم آنها را در وقتش شیطانی باز دارند و غیر الله فاسد و منافقت را
در حرم کتلهای با که در گنج نه توانگی و را نه است و لا اگر اطمینان به
حسن نیست تصدیق و دفع مفاسد از محیطهای شرعی و اجتماعی و احادیثی باشد
چون کسی بخواهد مستند یا از حق را نه و حق واقع و از ایجاد و تقاضی که
شرع و عقل بر مصلح الطرقت بدهد مرد روزی گذارند است و حق برکند.

تجسس آزادی ایران - تهران

سالیک قر ۱۳۴۹



صحت داشته باشد. بافتن را بر روی صحنه فرستاده شد. یک صحنه جداگانه در
وضع گردانندگان موسی جمعیت عالی که با هم زبان تشکیل شده این صحنه با
مخوس و روشن ترساز. وقرش اینکه زبان دیگری بخش فرستاد. شبیه در
حقیقتی که بود در صحنه آن بهسواد و از جو پاد سیاسی یکی اورد و سرگرم
اینگه بر پشت آن صحنه‌ها گسی خود هستند. چرا اینکه آنه اجرای مقصد شوم
سندس و با یچه غیرالیهایی عدایان گزیدند تنها دیگری تشابه داد.

روم سینه نمک اورد اگر مجلسی صحیح و در عا مطابق نبولست و
از داد خود مرده تشکیل شود و طبق قانون اساسی پنج نفر و در حد
دانشنامه و دینی مطلق از ایداع روز هر آن شرکت داشته باشد مصالح تمام
افراد از زن و مرد ظهور مسلم تأسیس خواهد شد. چنانکه در مسالکی مانند
سویسی چنین کرده اند آیا آنها تا کوند یک مرتبه هم این مطلب را باین
صورت زبانی کرده اند؟

در این مورد اینجاست که جهت حل آن موسی که بود شبیه او از
کشورهای دیگر دستگاری و جمعیت را رعایت با اجتماع است مدهد و
حالیکه حکومت روز و مرزها نیرو و پشت که تمام آزادی را از مرده حذف
کنند و حق قانونگذار را از اختیار جدا میزنند، البته قرار ندهد و میگذرد
با در کشنده و رشک است سیاسی و عصبانیت کشنده از اجتماع بر طرف
حکومت و حالیا از آنست که دبا دنده آرا شود و هر روز در جمع
رسا که تمام اجتماع از سر تا پا از آن سباده گماند و راحت این است و
یروماریت میند.

اینها به ای ایسکه مگری دهان این جلت بخواه ز کید با این وضع بد
کشاورزی، بیکاری روز افزون. وضع بد فرهنگ و بهداشتی کند شده و از با
اجراء برسانه های تبلیغاتی و اما تمز گناه سیه رنگان دیگران و وند هادی
نوعی و قند مردم و مراقبه مسکنت را برود میدهد. روحانیت پیغمبر بنوا
ساختند. این بود صفها. روحانیت از مدرسه آمد
در روز یو مردان معاهد و خدا کار و واقع بن.

نظر کریم سنجایی رهبر جبهه ملی در مورد حق انتخاب زنان نیز جالب است. او در کتاب خاطرات خود می‌نویسد:

به خاطر دارم که بر اثر تلقین و فشار امریکایی‌ها طرحی در اواخر حکومت دکتر اقبال برای اصلاح وضع زمین‌داری و اصلاحات ارضی تهیه شد و انتشار پیدا کرد که در واقع تنها یک ظاهر سازی صوری و اسمی بود^۱ که همه بلافاصله چه در داخل و چه در خارج متوجه فریبکاری آن شدند؛ و همین طور در مورد تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی و بلدی طرح‌هایی تهیه کردند که در آنها تلویحاً حق رأی زنان پیش‌بینی شده بود با این که چه طرح اصلاحات ارضی و چه طرح مربوط به انجمن‌های ایالتی و ولایتی و بلدی و چه رأی زن‌ها تماماً صوری بود. در کشوری که مردها حق رأی نداشتند و از رأی آزاد دادن محروم بودند صحبت از رأی زن‌ها کردن جز فریبکاری چه می‌توانست باشد؟^۲

بختیار هم در کتاب خاطرات خود در مورد حق انتخاب زنان می‌نویسد:

پادشاه می‌خواست به زنان حقوقی مساوی مردان بدهد ولی از آنجا که مردان هم صاحب حقوقی نبودند این تساوی در حد حرف و سخن باقی ماند. رأی زنان بیش از رأی مردان ارزش نداشت. یعنی هر گاه در صندوق باز می‌شد همیشه ۹۹/۱٪ آرا به نفع آن کس که باید در آن یافت می‌شد...^۳

اظهاراتی که امثال بختیار و سنجایی و سایر جریان‌های سیاسی بعد از سقوط شاه جرئت ابراز آن را پیدا کردند در همان دوران فقط امام بود که علناً شجاعت ابراز آن را داشت.

تبیین اهداف استراتژیک نهضت امام خمینی در قیام علیه تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی

میدان تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی برای امام یک میدان استراتژیک و نتایج آن هم تعیین‌کننده استراتژی‌های آینده نهضتی بود که امام رهبر آن به حساب می‌آمد.

۱. اینها حرف‌هایی است که سنجایی بعد از انقلاب اسلامی مطرح می‌کند و گرنه در دوره شاه جرئت و جسارت این اظهار نظرها را نداشتند. ایشان و حزب ایشان در آن دوران مانند بسیاری از منورالفکران عصر پهلوی اصلاحات ارضی را تأیید کردند و شعار اصلاحات آری، ولی دیکتاتوری نه می‌دادند.

۲. کریم سنجایی، *خاطرات سیاسی*، تهران، صدای معاصر، ۱۳۸۱، ص ۲۲۴.

۳. شاپور بختیار، *همان*، ص ۱۰۵.





شاه با اصلاحات ارضی و انقلاب سفید نظم موجود را که پایه‌های حکومت استبداد پهلوی بر آن استوار بود، بی‌اعتبار کرد. این بی‌اعتباری بیش از هر چیز حاصل وابستگی‌های او به امریکا و خطاهای بزرگ و بدکاری او نسبت به ملت ایران بود

این نتایج استراتژیک را در سخنان و اعلامیه‌های امام می‌توان در اصول زیر خلاصه کرد:

۱. مبارزه با سیطره حزب صهیونیستی بهائیت و اسرائیل و امریکا در ارکان دولت و سیاست^۱
۲. اتکای قیام اسلامی به حضور مردم در صحنه است نه حزب و گروه و سازمان^۲
۳. سرچشمه‌های مبانی نهضت، اسلام و حوزه‌های علمیه است نه ایدئولوژی‌های غربی^۳
۴. تمام موضوعات عرفیه در شرع حکم دارد و حکم این

موضوعات با علمای اسلامی است^۴

۵. حضور مستمر و پر قدرت دین در سیاست یک اصل بنیادی و غیر قابل تردید است.^۵
اریک هوفر در کتاب *مرید راستین* می‌گوید:

آنان که ملت‌ها یا دنیایی را دگرگون می‌کنند نمی‌توانند تنها با پروراندن و هدایت نارضایتی‌ها یا نشان دادن عقلانی بودن و مطلوبیت تغییرات مورد نظر یا اجبار مردم به تن دادن به یک شیوه جدید زندگی به این کار اقدام کنند...^۶

آنان باید بدانند که چگونه شعله یک امید اغراق‌آمیز را در دل مردم بفرورزند و به آن دامن زنند. اصلاحات ارضی، تصویب‌نامه انجمن‌ها... و انقلاب سفید شاه بر چنین امید اغراق‌آمیزی استوار بود. تئوریسین‌های امریکایی شاه می‌خواستند از تئوری فرو نشانیدن یک جنبش اجتماعی از طریق نشانیدن جنبشی دیگر به جای آن استفاده کنند اما چون قواعد و اصول این جنبش صوری و جایگزین، آنچنان اغراق‌آمیز بود، حتی کارگزاران رژیم هم این جنبش را باور نکردند.

به نظر می‌رسد تئوریسین‌های رژیم پهلوی یا نمی‌دانستند یا متوجه نشدند که این نظریه معمولاً برای تثبیت وضع موجود مورد استفاده قرار می‌گیرد. رژیمی که

۱. صحیفه/امام، همان، ص ۱۰۴، ۷۷ و...

۲. همان، ص ۱۰۴، ۱۰۶ و...

۳. همان، ص ۱۰۵ و...

۴. همان، ص ۱۱۱.

۵. همان، ص ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۵ و...

۶. اریک هوفر، *مرید راستین*، ترجمه شهریار خواجهیان، تهران، اختران، ۱۳۸۵، ص ۱۹. از این اثر ترجمه دیگری به شرح زیر وجود دارد: اریک هافر، *پیرو راستین*، ترجمه فیروزه خلعتبری، تهران، شب‌ویز، ۱۳۷۲.

۱۵ خرداد پیامد کار آگاهانه حکیمی فرزانه، سخنور، عدالت خواه، ظلم ستیز، شجاع، خردگرا، آزادی خواه و فرهمند بود که بدون روشنگری های این حکیم، رژیم شاه، هر قدر که بی صلاحیت، فاسد و وابسته بود شاید هنوز بر سریر قدرت باقی می ماند

اربابان آن به او ابلاغ کرده اند خود را دگرگون کند و وضع موجود را از جنبه ساختاری و دیوانسالاری به شکل بنیادی عوض نماید چگونه می تواند از نظریه جنبش های مخملی یا جنبش های از بالا، جنبش های مردمی را خنثی نماید؟! امریکا شاه را وارد بازی انقلاب سازی های خطرناکی کرد که نتیجه ای جز بی اعتباری، سستی بیش از پیش پایه های پوسیده و لرزان سلطنت و نابودی منابع کشور نداشت. شاه با اصلاحات ارضی و انقلاب سفید نظم موجود

را که پایه های حکومت استبداد پهلوی بر آن استوار بود، بی اعتبار کرد. این بی اعتباری بیش از هر چیز حاصل وابستگی های او به امریکا و خطاهای بزرگ و بدکاری او نسبت به ملت ایران بود. البته بی اعتباری نظم موجود به تنهایی برای پیدایش نهضت ۱۵ خرداد سال ۴۲ کافی نبود. ۱۵ خرداد پیامد کار آگاهانه حکیمی فرزانه، سخنور، عدالت خواه، ظلم ستیز، شجاع، خردگرا، آزادی خواه و فرهمند بود که بدون روشنگری های این حکیم، رژیم شاه، هر قدر که بی صلاحیت، فاسد و وابسته بود شاید هنوز بر سریر قدرت باقی می ماند. امام هم از نظام پادشاهی، هم از مناسبات سیاسی و اجتماعی این نظام و هم از خانواده حقیر و بی ریشه پهلوی نفرت عمیقی داشت. او توانست این نفرت عقلی و تاریخی را موضوع اصلی مطالبات ملت ایران قرار دهد و آن را تبدیل به یک خواسته ملی و دینی نماید و از برآیند این خواسته، آثار وحدت بخشی در جامعه ایران به وجود آورد. نفرت ملت ایران از رژیم شاهنشاهی تنها ناشی از ستمدیدگی تاریخی ای که این رژیم ها بر ایران تحمیل کردند، نبود؛ بلکه بیشتر حاصل آگاهی مردم از بی اعتباری عقلی و شرعی، بی مسئولیتی، شقاوت، بی هویتی و فقدان اصالت های ملی و دینی این رژیم ها بود. ناراحتی مشروعی که سال ها، بلکه قرن ها در سینه ایرانیان انباشته شد و امام خمینی این انرژی انباشته را نه با تکیه بر احزاب و گروه ها، بلکه با ارزش قائل شدن برای خود ملت، در ۱۵ خرداد سال ۴۲ به صحنه آورد.

